

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخابات میان دوره‌ای امریکا

(ترجمه)

پرسش

حزب جمهوری خواهان با کسب آرای اندکی بیشتر نسبت به حزب دموکرات، بالای مجلس نمایندگان تسلط پیدا نمود؛ مجلسی که از 435 نماینده تشکیل یافته است، چنانچه «بر اساس پیش‌بینی شبکه "سی بی اس نیوز" که همکار بی‌بی‌سی در ایالات متحده می‌باشد، حداقل 218 کرسی/چوکی را از آن خود نموده است.» (منبع: بی بی سی، 17 نومبر 2022م) اما دموکرات‌ها «به دلیل این‌که حزبشان اکثریت آراء را در مجلس سنای امریکا همچنان حفظ نمودند، روز یکشنبه به جشن و پای‌کوبی پرداختند.» (منبع: الجزیره 14 نومبر 2022م) از جانب دیگر، رسانه‌های داخلی بسیاری از دولت‌های جهان، خبرهای مربوط به انتخابات دو مجلس کانگرس امریکا "پارلمان و سنا" را انعکاس می‌دادند. پرسش اینست که چرا تحولات و حوادث داخلی امریکا تبدیل به حوادث بزرگی در گوشه و کنار جهان می‌شود؛ در حالی‌که به چنین تحولات و حوادثی در مناطق دیگری غیر از امریکا توجه زیادی صورت نمی‌گیرد؟ آیا دلیل آن اینست که امریکا از مزدوران و پیروانش می‌خواهد تا به حوادث داخلی آن توجه جدی نموده و آن را تبدیل به مسئله بین‌المللی نمایند؛ چنان‌که رسانه‌های مزدوران انگلیس، خبرهای پیش‌پا افتاده‌ی مربوط به پادشاهان انگلیس، اعم از ازدواج‌شان، اطفال آنان و امثال آن را با آب و تاب فراوان دست به‌دست می‌نمایند؟ و یا این‌که انتخابات کانگرس امریکا بالای جهان تأثیر واقعی دارد؟

پاسخ

بلی، انگلیس از مزدوران و پیروانش می‌خواهد به خبرهای امور پیش‌پا افتاده‌ی که در انگلیس رخ می‌دهد، بپردازند و دلیل آن، همانا احساس عمیق و بزرگ خودبتر بینی است که انگلیس‌ها دارند، انگار آن‌چه را که در گذشته امپراتوری می‌خواندند که آفتاب در آن غروب نمی‌کند، هنوز پابرجاست. پس در خصوص انگلیس دلیل دست به دست شدن خبرهای داخلی آن همین احساس کهن خودبتر بینی است. اما در خصوص امریکا مسئله کاملاً فرق می‌کند. برای بیان این فرق، به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

1. برای درک بهتر تأثیر حوادث داخلی امریکا بالای صحنه بین‌المللی به گفته‌های اخیر بایدن، رئیس‌جمهور امریکا اشاره می‌کنیم که گفت: باید در نظر داشت که روسیه پیش از بیرون شدن از منطقه خرسون اوکراین، منتظر ماند ببیند نتایج انتخابات کانگرس امریکا چه می‌شود. (منبع: الجزیره 11 نومبر 2022م)، و نیز به تصمیم عربستان سعودی در چهارچوب "اوپک پلس" برای کاهش تولید نفت‌اش به مقدار دو ملیون بشکه در روز اشاره می‌کنیم. تصمیمی که به هدف بالا رفتن قیمت جهانی نفت و بالاگرفتن سروصدای شهروندان امریکایی در اعتراض به قیمت سوخت در امریکا و سر انجام، رأی ندادن به دموکرات‌ها و انداختن آرای‌شان در صندوق جمهوری خواهان اتخاذ گردید. همچنین می‌توان به قرنطینه‌های اخیر در چین به بهانه کرونا اشاره نمود، که مطمئن نیستیم آیا دلیل آن واقعاً همان مسائلی است که اعلان نموده اند و یا به هدف حمایت از حزب بایدن در انتخابات بوده، که در چند روز پیش رو این مسئله روشن خواهد شد.
 2. خلاصه این‌که انتخابات نیمه‌دوره‌ای تاریخ 18 نومبر 2022م مثل یک حادثه بزرگ جهانی بود؛ بلکه حتی می‌توان گفت که هرگونه تکانی که در داخل امریکا رخ می‌دهد، ممکن است مناطق دیگری در گوشه و کنار جهان را به لرزه در آورد. بنابر این، نباید اهمیت جهانی انتخابات امریکا را دست کم گرفت. آن‌چه این اهمیت را بیشتر برجسته می‌کند، اینست که دوره حکومت ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین امریکا پرده از پراکنده‌گی‌های فوق‌العاده جدی در داخل امریکا، به شمول مردم، حکومت، احزاب و شرکت‌های تجاری برداشت. با توجه به آن‌چه گفته شد، جهان منتظر بود نتایج انتخابات کانگرس امریکا چه خواهد شد.
2. نظام سیاسی مشهورترین و بزرگترین دولت سرمایه‌داری جهان طوری طراحی گردیده که تنها دو حزب در آن با یک دیگر رقابت می‌نمایند و هرکدام از این دو حزب برای پیروزی در انتخابات به شرکت‌های سرمایه‌داری متکی می‌باشند! در حقیقت این شرکت‌های غول‌پیکر سرمایه‌داری است که در انتخابات تصمیم می‌گیرد و نه مردم امریکا!

چنانچه هزینه شرکت‌های یاد شده در حمایت از کاندیدان انتخابات کانگرس به شمول هردو مجلس آن در سال جاری به حدود 17 میلیارد دلار می‌رسد. «ایالات متحده در هر مناسبتی با نمونه‌ی جدیدی به میدان می‌آید، چنانچه در حالی که این کشور از تورم بزرگ تاریخی رنج می‌برد، مصارف تبلیغات برای انتخابات نیمه‌دوره‌ای آن ریکورد می‌کند. یک سازمان امریکایی از ثبت ریکورد جدیدی در هزینه انتخابات نیمه‌دوره‌ای سال 2022م در ایالات متحده خبر داده و گفته که مصارف این انتخابات از 16.7 میلیارد دلار فراتر رفته است.» (منبع: سکای نیوز عربی 13 نومبر 2022م) مبلغ مذکور برابر است با بودجه سالانه برخی از دولت‌ها در افریقا و غیر افریقا. از این مبالغ هنگفتی که در انتخابات امریکا هزینه گردیده به وضوح دیده می‌شود که در امریکا این سرمایه‌داران و مالکان شرکت‌های بزرگ هستند که مردم امریکا را به انتخاب نمودن این و انتخاب نکردن آن، جهت می‌دهند.

پس ظاهر انتخابات امریکا طوری است که قدرت از آن مردم است، اما در باطن قدرت از آن شرکت‌های بزرگ است؛ شرکت‌هایی که می‌توانند صدها میلیون دلار را برای حمایت از یک کاندیدای مشخص هزینه کنند؛ در حدی که گفته می‌شود در امریکا این سیاسیون هستند که رأی‌دهندگان شان را انتخاب می‌نمایند و نه عکس آن. به گونه مثال؛ کسی که شعار آزادی سقط جنین را سر می‌دهد، نیاز به توده‌ای از زنان دارد تا او را انتخاب نمایند، یا کسی که شعار دفاع و حمایت از مهاجرت را بلند می‌نماید، به سراغ اقلیت‌ها می‌رود تا او را انتخاب نمایند و یا کسی که شعارهای نژادپرستانه سر می‌دهد، امریکائیان سفیدپوست را هدف قرار می‌دهد و از این قبیل.

3. واقعیت اینست که پول و شرکت‌ها همواره در امریکا تسلط داشته، اما دوره حکومت ترامپ، رئیس‌جمهور قبلی پرده از تحولات جدی برداشت که در داخل امریکا رخ می‌دهد. عنوان برجسته تحولات یاد شده اینست که رقابت تنگاتنگ میان شرکت‌های بزرگ دیگر رقابت ورزشی نیست؛ چنانکه قبلاً بوده، بلکه پیوسته در حال داغ شدن می‌باشد؛ در حدی که به درجه جوشش رسیده و یا نزدیک است به این درجه برسد، چنانچه طمع سرمایه‌داران اجازه نمی‌دهد آنان در سایه منافع متضاد خویش به گونه مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی نمایند. این‌جاست که رقابت سرمایه‌داری میان شرکت‌ها به حدی داغ و داغ‌تر می‌شود که سیاستمداران که در حقیقت نماینده‌گان شرکت‌های مذکور می‌باشند، شروع به شکست استخوان یکدیگر می‌نمایند.

خلاصه این که سرمایه‌داران تا کنون به دو بخش تقسیم شده اند: یک؛ کسانی که شرکت‌های تکنالوژی بالای آنان غالب گردیده که توسط حزب دموکرات امریکا تمثیل می‌گردند. دو؛ کسانی که شرکت‌های نفت و انرژی بالای شان غالب شده است و در قالب حزب جمهوری خواهان امریکا تمثیل می‌گردند. این دو بخش با توجه به منافع شرکت‌های بزرگ که پشت سر این و آن قرار می‌گیرند و نیز با توجه به هر ایالت که منافع آن شرکت‌ها در آن متمرکز می‌باشد، همواره در معرض تقسیم شدن به بخش‌های بیش‌تر قرار دارد.

لازم به ذکر است که شرکت‌های نفت و انرژی امریکا برای چندین دهه جوهر نظام سرمایه‌داری امریکا را تمثیل می‌نمودند و در داخل امریکا از اقتدار بزرگی برخوردار بوده و در بیرون از آن تأثیر فراوانی داشتند، طوری که جنگ‌های نفت و سیاست‌های احداث خطوط لوله‌های نفت میان دولت‌ها و ساختن نفت‌کش‌های گول‌پیکر منافع بی‌شمار و نفوذ فراوانی را برای این شرکت‌ها به بار می‌آورد، اما در جریان دو دهه گذشته، شرکت‌های تکنالوژی سر بلند نمودند؛ شرکت‌هایی که درآمدهای آن با سرعت بسیار زیادی افزایش یافت، در حدی که سرمایه برخی از این شرکت‌ها در کمتر از دو دهه از میزان سرمایه برخی از شرکت‌های نفت و انرژی که در طول یک قرن انباشته بودند، نیز فراتر رفت.

این مشکل در جریان انتشار ویروس کرونا شدت بیشتری گرفت؛ زیرا با مطرح شدن سیاست قرنطینه‌ها، شرکت‌های نفت از سودهای زیادی محروم شدند، بلکه بهای نفت گاهی حتی منفی نیز شد. اما از آن طرف؛ شرکت‌های تکنالوژی شروع به جست و خیز نمودند، زیرا مردم در خانه‌های خویش نشسته بودند و با استفاده از تکنالوژی ارتباطات با یکدیگر در تماس بودند و بسیاری از امور خویش را از طریق دستگاه‌های ارتباطی و کامپیوترها به پیش می‌بردند. معامله‌های تجاری و پولی نیز از طریق همین شرکت‌ها صورت می‌گرفت، مانند شرکت امریکایی "آمازون" که بالای بسیاری از عرصه‌های تجاری تسلط یافت و آن را تبدیل به تجارت از راه‌های الکترونیکی و رسانیدن کالاها درب منازل نمود. این گام‌های بزرگ و بی‌سابقه شرکت‌های الکترونیکی هم‌زمان با راه یافتن ترامپ به قصر سفید گردید و اینجا بود که آتش نزاع میان شرکت‌های بزرگ برنده و بازنده شعله‌ورتر گردید، در حدی که تلاش‌ها برای شکستاندن استخوان یک دیگر آغاز شد. با توجه به این که شرکت‌های مذکور اهداف خویش را از طریق سیاستمداران عملی می‌نمایند، این سیاستمداران شروع به تقسیمات بیش‌تر و بیش‌تر نمودند.

4. تقسیمات در ایالت‌های آمریکا رو به افزایش گذاشت، چنان‌چه ایالت‌هایی که زیر تسلط دموکرات‌ها قرار دارد، شروع به وضع قوانینی علیه شرکت‌های نفت نمودند، مانند روی دست گرفتن سیاست کاهش گازهای گلخانه‌ای تا حد صفر و اتکای کامل به موتر/ماشین‌های برقی تا سال 2035م. از آن طرف؛ ایالت‌هایی مانند تکزاس، که زیر تسلط جمهوری‌هان و شرکت‌های نفتی حاکم بر این ایالت قرار دارد، شرکت‌های صنعت "سبز" یعنی همان شرکت‌هایی را که سیاست کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای را روی دست گرفته اند، در لیست سیاه خود قرار دادند. شدت این تقسیمات زمانی بیش‌تر شد که ایالت‌هایی که زیر تسلط جمهوری‌خواهان قرار دارد، اقدام به تقسیم مراکز رأی‌دهی و صدور قوانینی نمودند که بر اساس آن تسلط‌شان را در انتخابات‌های آینده بالای این ایالت‌ها بیش‌تر می‌نمایند، مانند قوانینی که رأی دادن از طریق پست دشوارتر می‌نماید؛ طریقی که مورد علاقه طرفداران دموکرات‌ها است. از جانب دیگر؛ ایالت‌هایی که زیر تسلط دموکرات‌ها قرار دارد، شروع به تقسیم کردن مراکز رأی‌دهی و صدور قوانینی نمودند، مانند تسهیل رأی دادن از طریق پست که عدم نفوذ جمهوری‌خواهان به این ایالت را تضمین می‌نماید. به علاوه آن، می‌توان از تقسیمات فرهنگی نیز یاد نمود، مانند گنج‌نیدن "دیدگاه نژادی" در برنامه‌های درسی ایالت‌هایی که زیر تسلط جمهوری‌خواهان قرار داد و نیز انتشار فرهنگ مخالفت با مهاجرت و مهاجرین. در حزب مقابل نیز سعی می‌شود فرهنگ آزادی سقط جنین در ایالت‌های زیر تسلط دموکرات‌ها ترویج داده شود، به این اعتبار که این کار با دیدگاه محافظه‌کارانه جمهوری‌خواهان در تضاد و همچنین ترویج فرهنگ استقبال از مهاجران می‌باشد. به این ترتیب، ایالت‌های آمریکا به دو دسته سرخ با تسلط جمهوری‌خواهان و با اکثریت امریکائیان سفیدپوست و آبی با تسلط دموکرات‌ها که بسیاری از اقلیت‌های مهاجرین را با خود دارند، قرار دارند. این بدان معناست که انقسام‌ها دارد رنگ نژادی به خود گرفته و این رویکرد اندک اندک شکل پایدار و ثابت را نیز گرفته و سیاست‌مداران در تمام ایالت‌ها به سمت بزرگ‌نمایی مسائل اختلافی روان استند.

5. آمریکا و حکومت‌های جهان نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای کانگرس آمریکا را دنبال می‌نمودند و هر حکومت بر اساس منافع خود این کار را می‌نمود، مثلاً روسیه منتظر بود "حزب ترامپ" در صورت برنده شدن در این انتخابات از کمک‌های هنگفت آمریکا که توسط اداره حکومت بایدن به اوکراین داده می‌شود، جلوگیری نماید. اروپا، به ویژه آلمان، نگران بود "حزب ترامپ" بالای حمایت آمریکا از اروپا برای جلوگیری از رویکردهای توسعه‌طلبانه روسیه تأثیر منفی گذارد. شاید چین نیز نگران بود که آمریکا گام‌های خصمانه‌تری در برابرش بر دارد و یا کوریای جنوبی و جاپان را با سلاح‌های هسته‌ای مسلح نماید. مزدوران آمریکا در منطقه اسلامی نیز نتایج انتخابات را دنبال می‌نمودند، مثلاً برخی از آن‌ها مانند عربستان سعودی به این باور اند که "حزب ترامپ" بهتر از "حزب بایدن" است و برخی دیگر نظر معکوس دارند. درست است که این انتخابات ریاست‌جمهوری نیست، اما طوری نشان داده می‌شد که انگار انتخابات ریاست‌جمهوری است، به علاوه این که نتایج این انتخابات بالای انتخابات ریاست‌جمهوری در سال 2024م تأثیر زیاد دارد.

به دلیل تورم بزرگ موجود در آمریکا، از جمله افزایش بهای مواد سوخت، فضا برای پیروزی حزب جمهوری‌خواهان فراهم گردیده بود و این چیزی بود که هم‌پرسی‌ها پیش‌بینی می‌نمود و رسانه‌ها نیز آن را ترویج می‌داد، در حدی که دموکرات‌ها را از آنچه که "موج زنده سرخ" نامیده می‌شد، ترسانیده بود، یعنی شرایط انتخاباتی به صورت کل به نفع جمهوری‌خواهان بود، اما نتایجی که تا کنون منتشر گردیده، هم‌پرسی‌ها و رسانه‌ها را بهت‌زده نموده، مخصوصاً آن‌عه از رسانه‌هایی که در صف دموکرات‌ها قرار دارند و "موج زنده سرخ" را پیش‌بینی نموده بودند. ترامپ رئیس‌جمهور پیشین برای حمایت از کاندیدان جمهوری‌خواه به ایالت‌های مختلف سفر می‌نمود، طوری که انگار این تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری باشد. در مقابل؛ دموکرات‌ها تبلیغاتی را راه‌اندازی نمودند که توسط بایدن رئیس‌جمهور برحال و رؤسای پیشین مانند اوباما و کلنتن، به امید متوقف نمودن "موج زنده سرخ" که تصور می‌شد بسیار فراگیر باشد، به پیش برده می‌شد؛ اما این موج پیش نیامد، بلکه حتی نتایج انتخابات نشان می‌دهد که حزب جمهوری‌خواهان با کسب اکثریت اندک همچنان بالای مجلس نماینده‌گان تسلط خواهد داشت؛ مجلسی که متشکل از 435 نماینده می‌باشد. «چنان‌چه بر اساس پیش‌بینی شبکه "سی بی اس نیوز" که شریک شبکه بی بی سی در ایالات متحده می‌باشد، این حزب حد اقل 218 چوکی/کرسی مجلس را به دست آورده اند.» (منبع: بی بی سی 17 نومبر 2022م). اما دموکرات‌ها «روز یکشنبه تداوم تسلط خویش را بالای مجلس سنای آمریکا با اکثریت اندک جشن گرفتند. دموکرات‌ها در حال حاضر 50 چوکی/کرسی را در اختیار دارند، به علاوه وجود رأی کاملاً هریس معاون، رئیس‌جمهور آمریکا که ریاست مجلس سنا را در اختیار دارد و جمهوری‌خواهان 49 کرسی را در اختیار

دارند. می‌ماند یک کرسی دیگر که در انتخابات مجلس سنا هنوز فیصله نگردیده و قرار است در دور دوم انتخابات در ایالت جورجیا که در ششم دسمبر راه‌اندازی خواهد گردید، یک طرفه شود. ممکن است دموکرات‌ها بتوانند اکثریت خود را از طریق این دور استحکام ببخشند. (منبع: الجزیره 14 نومبر 2022م) این نتایج خلاف تمام انتظارات و هم‌پرسی‌ها از آب در آمد.

6. با دقت نمودن به ایالت‌هایی که زیر سیطره جمهوری خواهان قرار دارد، حاکم آن جمهوری خواه است و اکثریت نمایندگان و سناتوران داخلی آن از جمهوری خواهان می‌باشد، همچنان جمهوری خواه باقی مانده و دموکرات‌ها نتوانسته اند دستاورد چندانی در آن داشته باشند، البته استثنای کوچکی مانند افزایش شمار مهاجران به ویژه از امریکای لاتین وجود دارد که باعث شده در ایالتی مانند تکزاس برخی از نمایندگان آن، که اندک می‌باشند، طرفدار دموکرات‌ها شوند. اما جمهوری خواهان همچنان بالای این ایالت‌ها تسلط تقریباً کامل دارند. برعکس این واقعیت در ایالت‌هایی که زیر تسلط دموکرات‌ها قرار دارد، صدق می‌کند و این تقسیمات بسیار عمیق و ریشه‌ای به نظر می‌رسد. این در حالی است که برخی دیگر از ایالت‌ها همچنان میدان کشمکش میان دو طرف می‌باشد و آن را ایالت‌های تعیین کننده می‌نامند، مانند ایالت جورجیا، اریزونا، نیوادا و پنسلوانیا. شاید نتیجه این انتخابات که بر خلاف تمام انتظارات معمول و برخلاف هم‌پرسی‌ها و مطالعاتی که از روند انتخابات صورت گرفت، از آب درآمد، بیانگر این باشد که آن ایالت‌هایی امریکا که زیر فرمان پایتخت امریکا، واشنگتن قرار دارند؛ دیگر به سان گذشته ایالت‌های متحد نیستند، بلکه از تفرقه در میان آن دارد صفت همیشگی به خود می‌گیرد. از جانب دیگر؛ کشمکش دو حزب بر سر حکومت و منافع متفاوت شرکت‌های بزرگی که پشت سر این دو حزب قرار دارند، ممکن است در ایالت‌های تعیین کننده به گونه جدی بالا گیرد، زیرا مسلط شدن یک طرف بالای هر یک از این ایالت‌ها در این انتخابات و وضع قوانین جدیدی در آن علیه طرف مقابل و انتشار فرهنگ مخالفت با آن، این ایالت را طرف مقابل دور می‌کند و این چیزی است که برای طرف ناکام قابل قبول نخواهد بود. پس ممکن است جرقه خشونت در این ایالت‌های تعیین کننده زده شود و سراسر امریکا را به جانب خشونت پیش‌تر سوق دهد و به این ترتیب سیاست خارجی دولت دچار نوسان شود، حتی می‌توان گفت که از همین الان این نوسان در آن مشاهده می‌شود؛ چنانچه قرار گرفتن عربستان سعودی در صف "حزب ترامپ" در مسئله کاهش تولید نفت نشانه واضح و خطرناک این رویکرد به شمار می‌رود. مهم‌ترین چیزی که در جریان انتخابات اخیر برجسته گردید، همین انقسام‌های داخلی بود، طوری که دو طرف تقریباً در میزان قدرت مساوی استند و شرایط متغیری مانند بالا رفتن بهای نفت روی قدرت آنان تأثیر ندارد، اما اینک دیدگاه‌های تعصب‌گرایانه حزبی با قوت تمام ریشه‌دوانده و این مسئله‌ی فوق‌العاده خطرناکی است. مسئله تعصب مذکور به گونه واضح و روشن در انتخابات اخیر مشاهده می‌شد، چنانچه برخی از کاندیدان از "حزب ترامپ" حتی زنان در حالی به تبلیغات انتخاباتی می‌پرداختند که تفنگ بر شانه داشتند. شاید در روزهای آینده میان ایالت‌ها فاصله بیش‌تر و قانونی شدن این فاصله به چشم خورد و احتمالاً شاهد ترک بیش‌تر غیر سفیدپوستان از مناطقی باشیم که زیر تسلط حزب جمهوری خواه قرار دارد و در این مناطق نظریه برتری سفیدپوستان ترویج داده شود.

7. با در نظر داشت آنچه در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا رخ داد، می‌تون تا حدودی بالای پیامدهای آن این چنین روشنی انداخت:

ا. از آنجایی که به نظر می‌رسد امریکا خالی از افراد آگاهی است که بتوانند خالی‌گاه به وجود آمده میان دو طرف بر سر حاکمیت در واشنگتن را پر نمایند، و نیز از آنجایی که امریکائی‌ها در وابستگی و صف‌بندی سیاسی تعصب روز افزون نشان می‌دهند، اداره بایدن، رئیس‌جمهور برحال امریکا در دو سال آینده با موانع بیش‌تری رو به رو خواهد شد؛ موانعی که توسط ایالت‌های جمهوری خواه "سرخ" و نیز توسط مجلس نمایندگان در برابر آن قرار خواهد داد و این روند دولت را وادار خواهد نمود بیش‌تر از پیش به اوضاع داخلی پرداخته و از تمرکز بالای سیاست خارجی خود بکاهد.

در مورد ترامپ باید گفت که پیش از انتخابات به نظر می‌رسید که وی حزب جمهوری خواهان را به صورت کامل زیر تسلط خود آورده؛ اما بعد از اعلان نتایج انتخابات معلوم شد که برخی از کاندیدانی را که ترامپ حمایت نموده بود، موفق نشدند و برخی دیگر موفق شدند و این مسئله احتمالاً در انتخابات ریاست‌جمهوری که ترامپ قصد دارد برای بار دوم خودش را به نمایندگی از حزب جمهوری خواه کاندید نماید، مشکلاتی را به بار آورد.

ب. شرکت‌های غول‌آسای امریکایی که پشت سر حزب جمهوری خواه قرار دارد، از نفوذ زیاد بین‌المللی برخوردار می‌باشد، چنانچه تصمیم اخیر عربستان سعودی برای کاهش تولید نفت این را به خوبی نشان داد. بناء احتمال افزایش

چند پارچه‌گی نفوذ بین‌المللی امریکا نیز وجود دارد؛ امری که باعث تضعیف جهانی امریکا خواهد شد و این مسئله‌ای نیست که بتوان آن را دست کم گرفت، چنانچه ارتباطات جان کری، وزیر خارجه پیشین، که یک دموکرات می‌باشد، سیاست‌های اعمال فشارهای حد اعظمی ادارل ترامپ با ایران را تضعیف نمود و جمهوری خواهان در جریان اداره دموکرات بایدن با تحریک نمودن سعودی برای کاهش تولید نفت، به آن پاسخ دادند؛ پاسخی که اعمال فشارهای اداره بایدن بالای روسیه را تضعیف نمود. این واقعیت باعث خواهد شد نفوذ بین‌المللی امریکا به دو بخش تقسیم شود و به این ترتیب، منافع جهانی امریکا نیز به دو بخش منافع جمهوری خواهان و منافع دموکرات‌ها تقسیم خواهد شد و در عین حال برخی از منافع استراتژی به گونه منافع مشترک باقی خواهد ماند، مانند مبارزه با روسیه و چین، که در چگونگی پیش‌برد و سیاست‌های فرعی برای تحقق آن نیز احتمال اختلاف میان دو طرف وجود دارد.

ت. اداره بایدن هنوز برای زیر فشار قرار دادن روسیه در قضیه اوکراین دو سال کامل در اختیار دارد و حتی اگر امریکا دروازه مذاکرات میان اوکراین و روسیه را باز نماید، باز هم به اعمال فشارهایش بالای روسیه ادامه خواهد داد تا آن را از دستاوردهای کوتاه مدت در اوکراین محروم نماید. پس روسیه همچنان زیر بار تحریم‌های سنگینی که امریکا بالای آن اعمال نموده باقی خواهد ماند تا آنکه امریکا بتواند دستاوردهای دیگری بیرون از صحنه اوکراین حاصل نماید، مانند ایجاد تضمینی مبنی بر این که سلاح هسته‌ای روسیه برای امریکا تهدیدی تشکیل نمی‌دهد. به نظر می‌رسد سیاست امریکا در دوره حکومت بایدن همین مسئله است و در صورتی که بایدن نتواند این دستاوردها را حاصل کند، روسیه همچنان از جهان غرب و اتباع آن به دور مانده و اقتصاد آن متزلزل بوده و توان مقاومت را نخواهد داشت.

ث. اداره بایدن موفق شد با ترسانیدن چین از کمک به روسیه، عملاً چین را از روسیه دور نگهدارد، هر چند چین و روسیه در خصوص روابط میان یکدیگر اظهارات بی‌اساس و بنیادی را مطرح می‌نمایند؛ اظهاراتی که چیزی از واقعیت امر کم نمی‌کند. باید دانست که روند این دور نگهداشتن هنوز کامل نشده به رغم آن که روسیه به وضوح می‌داند که چین پشت‌اش را خالی نموده و آن را در در رویارویی با امریکا و دولت‌های عضو ناتو تنها گذاشته، دولت‌هایی که کمک‌های هنگفت نظامی به اوکراین می‌فرستند و تحریم‌های بزرگ اقتصادی بالای آن اعمال نموده اند، اما چین هیچ‌گونه کمکی که بتواند مؤثر باشد برای همپیمان خود نفرستاده؛ همپیمانی که پیش از شروع جنگ اوکراین همکاری‌های دو طرف را "نامحدود" خوانده بود.

ج. دولت‌های اروپای غربی نگران بودند ترامپ دوباره به قدرت دست پیدا کند، چه از طریق برگشت به ریاست جمهوری برای بار دوم و یا از طریق تسلط حزب‌اش بالای کانگرس؛ زیرا او سیاستی را تبنی نموده بود که بر اساس آن تاریخ "ناتو" دیگر سپری گردیده و از آن جایی که قدرت نظامی اروپا در رویارویی با سیاست توسعه‌طلبانه روسیه ضعیف می‌باشد، اروپا از برگشتن اداره بایدن به اروپا خرسند گردید. همچنین شرکت‌های گاز امریکا با فراهم نمودن گاز امریکا در بدل گاز روسیه برای اروپا با قیمت‌های بیش‌تر از چهار برابر قیمت گاز در امریکا، اداره بایدن را زیر فشار قرار دادند و دولت‌های اروپا به آن اعتراض نمودند. بایدن خودش نیز از این شرکت‌ها انتقاد نمود و گفت که آن‌ها در جریان جنگ اوکراین سودهای بسیار هنگفتی را به جیب زده اند و هشدار داد که مالیات اضافی را بر سود آنان وضع خواهد نمود. طبیعتاً بایدن از بالا رفتن قیمت داخلی نفت نیز انتقاد می‌نمود، زیرا بالا رفتن قیمت نفت در اروپا برای او چندان اهمیتی ندارد، بلکه سیاستی را که بایدن در حال حاضر در محور آلمان رهبری می‌کند، به هدف متفرق نمودن اروپاست و این سیاست شبیه سیاست ترامپ رئیس قبلی امریکاست که بر محور "برگرت انگلیس" برای ضربه زدن به وحدت اروپا رهبری می‌نمود.

8. خلاصه این که معلوم شد انتخابات میان‌دوره‌ای کانگرس امریکا ابعاد و دلالت‌های زیاد داخلی و خارجی دارد و این که تسلط امریکا بر جهان باعث شده این انتخابات تبدیل به یک اتفاق جهانی شود، طوری که بسیاری از جهان به دلیل تأثیری که این انتخابات در سیاست خارجی امریکا دارد، به آن توجه و اهتمام زیاد نمودند و این که انتخابات مذکور را نمی‌توان با تحولات داخلی انگلیس مقایسه نمود، زیرا انگلیس به دلیل حب شدید سیادت و برتری جویی که دارد از مزدورانش می‌خواهد به آن توجه رسانه‌ای به خرج دهند.

این است واقعیت دولت‌های به اصطلاح بزرگ و آن هم اهمیت تحولات داخلی آن. هرگاه الله سبحانه و تعالی اجازه برپایی دولت اسلام را بدهد، راه امت اسلامی برای تأثیر بالای جهان باز شود و این امت پیام هدایت را برای جهانیان حمل نماید، آنگاست که هرگونه تحول کوچک و بزرگی که در نزد مسلمانان رخ دهد، برای دولت‌های کفار ارزش سیاسی و رسانه‌ای خواهد داشت؛ طوری که به تحلیل و تجزیه پیامدهای آن بالای خود خواهند پرداخت. دولت‌های بزرگ کفار حتی در حال

حاضر نیز به هرگونه اتفاق بزرگ و کوچک در جهان اسلام توجه و اهتمام نموده و حرکت‌های اسلامی را پیوسته زیر نظر دارند. رسانه‌های وابسته به آنان می‌کوشند برخی از حرکت‌هایی را که "میان‌هرو" می‌نامند، برجسته نموده و امت را از حرکت‌های دیگری که مخلصانه عمل می‌نمایند، دور نمایند. این دولت‌های کفری فعالیت‌های حرکت‌های مخلصانه مسلمانان را شب و روز بررسی و محاسبه می‌نمایند و از مزدوران خویش می‌خواهند این حرکت‌ها را در نطفه خنثی کنند. بلی، این نگرانی‌های آنان در حالی است که هنوز دولت اسلامی، دولت خلافت، برپا نگردیده، وضعیت کفار چگونه خواهد بود، زمانی که امت اسلامی و توانایی‌های زنده آن زیر رهبری مخلصانه و آگاه به هدف کسب رضایت پروردگار و خدمت به منافع امت جهت داده شده و رهبری گردد؟ آنگاست که امت اسلامی به مجد و عظمت از دست داده‌اش برخواید گشت و سستی و شکنندگی این دولت‌های به اصطلاح بزرگ برملا خواهد گردید. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ [شعراء: 227]

ترجمه: زود است آنانی که ظلم نموده اند، بدانند به چه جایی برخوایند گشت!

25 ربیع الآخر 1444 هـ.ق.

19 نومبر 2022 م.

مترجم: عبدالله دانشجو